

چاپ مطلب

بستن پنجره

جمعه 11 مرداد 1392

درباره فیلم مستند «رضاشاه»، علی میرفطروس



آنچه که برخی از رسانه های جمهوری اسلامی از آن بنام «سونامی فیلم مستند رضاشاه» یاد کرده اند، نشانه علاقه نسل جوان ایران به تاریخ این دوران و نمودار فروپاشی تفسیرهای ایدئولوژیک از تاریخ است. به عبارت دیگر: آن کس که شاید در عرصه سیاست باخته بود، اینک در عرصه تاریخ پیروز شده است.

من نیز مستند «رضاشاه» را دیده ام. بطوری که درجائی گفته ام:

...متأسفانه بسیاری از روشنفکران و رهبران سیاسی ما تمام هوش و استعداد خود را در جهت ترویج و دفاع از دروغ هایی بکار برده اند که نتیجه سیاسی آن را سرانجام با «انقلاب شکوهمند اسلامی»!! دیده ایم ... امروزه می توان - و باید - با چشمانی باز و با ذهنیتی بی تعصب و آزاد، این گذشته نزدیک را دید، عناصر مثبت آنرا بررسی کرد و بکار بست و از عناصر منفی آن، دوری جست. بعد از آواز سهمگین سال های اخیر و پس از فروریختن دیوارها و دُگم های ایدئولوژیک، من فکر می کنم که ما باید بیش از پیش فروتن باشیم. هنگام آنست که ما با بررسی، شناخت و درک همه جنبه های تاریخ معاصر ایران، محدودیت ها و ممکنات آن دوره ها را بفهمیم و توقعات و آرزوهای امروزمان را بر شخصیت ها، حوادث و رویدادهای دیروز، سوار نکنیم. درک معتدل و مشترک از تاریخ، زمینه اساسی برای تفاهم و همبستگی ملی ما خواهد بود. من تردیدی ندارم که هم رضاشاه، هم مصدق، هم محمدرضا شاه، ایران را سربلند و آباد و آزاد می خواستند، اگر چه هر یک، راه و روش و اشتباهات و تناقضات خود را داشتند. رضاشاه نه تنها سازنده «ایران نوین» بلکه سازنده «انسان نوین ایرانی» بود.

رضاشاه، بعلت ساختار روستائی و محدودیت های تاریخی جامعه، اولویت را به تجدید اجتماعی و توسعه ملی و ایجاد یک زیربنای اقتصادی مدرن گذاشته بود و بهمین جهت، به آزادی و استقرار دموکراسی بی توجه بود... رضاشاه نه آتاتورک بود و نه فارغ التحصیل دانشگاه «سوربن». او - بدرستی - فرزند زمانه خود بود، با همه ضعف ها، محدودیت ها، قدرت ها و کمبودها. بعبارت دیگر: او کسی بود که پائی در استبداد عصر قاجار داشت و پای دیگری در آینده تحولات و تغییرات اساسی. خصلت عمیقاً نظامی، پر تحکم و پر دیسپلین رضاشاه، از او انسانی خشک و بی انعطاف و منضبط می ساخت که نه تنها هیچ درکی از آزادی و دموکراسی نداشت بلکه - اساساً - آزادی و دموکراسی را با هرج و مرج های سیاسی و آشفتگی های اجتماعی رایج، یکی می پنداشت. از این گذشته برخلاف نظر بسیاری، رضاشاه وقتی بقدرت رسید که از مشروطیت، چیزی جز نام، باقی نمانده بود و ایران، بین دو سنگ آسیاب قدرت های روس و انگلیس هر روز خردتر و ضعیف تر شده بود، آنچنانکه یک روز، دولت روسیه فلان امتیاز را می گرفت و روز دیگر دولت انگلیس خواستار بهمان امتیاز و قرارداد بود و بوقول یکی از دیپلمات های خارجی مقیم ایران:

- «در واقع، ایران، ملک متروکی بود که به حراج گذاشته شده بود و هر قدرت خارجی که قیمت بیشتری می داد و یا تهدید پرسروصداتری بکار می برد، می توانست آنرا از چنگ زمامداران فاسد قاجار بیرون آورد.»

طرح این مسائل تاریخی در سال های سیطره ایدئولوژی های انقلابی و سلطه «روشنفکران عوام» و «عوامان روشنفکر» بر رسانه های عمومی، بسیاری دشوار و چاره بسابا انتقادات تندی همراه بود (درست همانند کتاب کوچک من درباره دکتر محمد مصدق)، اما اینک خوشحالم که مستند بغایت زیبای «رضاشاه»، ضمن نشان دادن محدودیت های تاریخی و ممکنات دوران رضاشاه، جایگاه برجسته وی را در تاریخ معاصر ایران را بازگو کرده است، از این نظر به مسئولان تلویزیون «من و تو» و همه دست اندرکاران این مستند دقیق و منصفانه تبریک می گویم.

کلام فاخر، موسیقی متن و تصویرهای نایاب یا کمیاب به این مستند تاریخی ارزش و اهمیتی ممتاز داده است. یادیدن این مستند، بیننده درخواهد یافت که با وجود تبلیغات 80 ساله حزب توده و برخی از روشنفکران همیشه طلبکار» علیه رضاشاه، حقیقت تاریخی روزی خود را - به روشنی - نشان خواهد داد. آنچه که برخی از رسانه های جمهوری اسلامی از آن بنام «سونامی فیلم مستند رضاشاه» یاد کرده اند، نشانه علاقه نسل جوان ایران به تاریخ این دوران و نمودار فروپاشی تفسیرهای ایدئولوژیک از تاریخ است. به عبارت دیگر:

آن کس که شاید در عرصه سیاست باخته بود، اینک در عرصه تاریخ پیروز شده است.

م.ع

مستند «رضاشاه» از برآمدن و به قدرت رسیدن رضاخان آغاز می شود. از کودتای سوم اسفندماه ۱۲۹۹. زمانی که سرزمین ایران در یک بحران تمام عیار قرار داشت و شیرازه دولت مرکزی از هم گسیخته بود. ایران در آن برهه از تاریخ نیازمند یک قدرت مرکزی بود و فردی مقتدر و لایق که بار دیگر یک پارچگی و استقلال را به ایران برگرداند. مستند «رضاشاه» از

دوران وزارت و نخست‌وزیری رضاخان سردارسیه در سال‌های آخر قاجاریه می‌گوید. این‌که چه‌طور او ترجیح داد از فرماندهی ارتش به عرصه سیاست وارد شود و مدیریت و زمام امور را خود به دست گیرد، او حتی یک‌بار برای ایران، اعلام جمهوریت کرد که روحانیت و عموم نپذیرفتند. این‌که او چگونه به سلطنت رسید.

مستند «رضاشاه» از پیشرفت‌ها و توسعه‌های ایران طی سال‌های سلطنت رضاشاه پهلوی می‌گوید. این‌که او چگونه به‌همراه دولت‌هایش، عقب‌ماندگی ایران از باقی جهان را در نیمه نخست قرن بیستم، طی کمتر از دو دهه جبران می‌کند.

و بالاخره مستند «رضاشاه» با مرگ او در تبعید پایان می‌پذیرد. تبعیدی ناخواسته به جزیره موریس و سپس ژوهانسبورگ که با آغاز جنگ دوم جهانی و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین به‌وقوع پیوست و سرنوشتی تلخ برای او رقم زد.

<https://www.manoto1.com/videos/rezashah/vid3758>

PUBLISHED FROM GOOYA NEWS {[HTTP://NEWS.GOOYA.COM](http://news.gooya.com)}
 COPYRIGHT © 2009 NEWS.GOOYA.COM
 ALL RIGHTS RESERVED FOR THE ORIGINAL SOURCE

Served by C#1 Server #2 in 0.004 seconds